



# دست و پا زدن در جهان یک دونالدی

پرو، پیشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم انسانی

اشاره:  
استقرار نظم نوین جهانی از فضای مذاکره و تبلیغات عبور کرده و در مرحله گذر از گام‌های اجرایی در سطح جهان است. امروزه، جهان در زمینه فرهنگی صحنه تبادل و تهاجم می‌باشد و در زمینه فعالیت‌های فکری، عملی، اطلاعاتی و حتی عرصه هنر، حضور ما را می‌طلبد. در دنیای کالا است که به عنوان انسانی به منزله مرغوبیت از معرفی کالا مطرح می‌شود. در همین راستا یادداشت حاضر سعی دارد پدیده جهانی سازی فرهنگ را به اختصار مورد بررسی قرار دهد.

پدیده جهانی شدن تا حدود سه دهه قبل، از نظر آثار و مظاهر اقتصادی و سیاسی آن بیشتر مورد توجه اقتصاددانان و سیاسیون بود و کمتر مورد توجه جامعه‌شناسان و فرهنگ‌شناسان قرار داشت. جهانی سازی یا جهانی شدن از نیمه دوم

سده بیستم در ادبیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظریه‌پردازان و روزنامه‌نگاران مغرب زمین رواج یافت و به تدریج به دیگر مناطق سرایت کرد. افرادی چون مارشال مک لوهان کانادایی، هنگامی که از «دهکده جهانی» سخن می‌گفتند، چنان احساس شغف می‌کردند که گویی با تشکیل این دهکده پهناور زمین‌گیر، بهشت

موعود شکل خواهد گرفت؛ اما اندکی نگذشت که بر بسیاری از متفکران روشن شد که تشکیل چنین دهکده‌ای چندان هم امیدبخش نیست. جهانی سازی روند یا برنامه‌ای است برای رسیدن به همان دهکده جهانی مک لوهان. جهانی که در آن حد و مرز کشورها، اختلاف فرهنگ‌ها، سلیقه‌ها، بینش‌ها، ارزشیابی‌های متنوع و متفاوت و مراکز تصمیم‌گیری جداگانه و مستقل وجود نداشته باشد و هر چه هست، یک جهان، یک هیئت حاکمه، یک جهت و یک مسیر است و آن هم در راستای منافع آنها. یعنی به اندازه یک دهکده از نظر سرعت و امکان ارتباطات و در اختیار یک کدخدا! اما دیگر این «برنامه» یا «روند» شور و شغفی در دلها برنمی‌انگیزد و حتی برعکس، اینک پیگیری این برنامه برای بسیاری از اهالی عالم، ترسناک و دلهره‌آور می‌نماید. آنچه

صاحب‌نظران پست مدرن، «و حشت مدرن» می‌نامند، از طریق «جهانی‌سازی» شکل می‌گیرد و توسعه

می‌یابد و این وحشت ناشی از یکسان شدن فرهنگ‌ها در یک جامعه طبقاتی جهانی است.

«جهانی سازی» یک ایدئولوژی سهمناک برای تصرف بر عالم توسط گروهی کوچک، اما قدرتمند و ثروتمند است.

با این ایدئولوژی، عدالت و آزادی از عالم رخت برخواهد بست و دهکده‌ای ترسناک، شکل خواهد گرفت.

جهانی‌سازی، اما یک عالم مشحون از ظلم و بی‌عدالتی است. برای مواجهه با جهان امروز، نخست باید درک کنیم که اندیشه «جهانی سازی» تا چه حد ایدئولوژیک است. آیا هیچ جبری در آن وجود ندارد و تنها

انتخاب و مصالح انسانی در شکل یافتن آن نقش دارد؟ یک ایدئولوژی هر چه باشد، خود را به عنوان حقیقت معرفی می‌کند؛ ایدئولوژی‌ای که پیروز شده باشد نیز به عنوان یک امر بدیهی بر اکثریت

مردم تحمیل می‌شود. این موضوع در مورد جهانی‌سازی بیش از هر چیز صدق می‌کند؛ چرا که امروزه نبرد علیه این فرضیه، تلاشی منسوخ و از پیش شکست خورده معرفی می‌شود. با وجود انبوهی از عروسک‌های دوست داشتنی که در برنامه‌های تلویزیونی، جهانی از عشق و خوشبختی را شکل می‌دهند،

می‌توانیم چنین بیندیشیم که قادریم جهانی سازی را با رنگ‌هایی که خود می‌خواهیم تصویر کنیم. این مسأله جدیدی در تاریخ نیست. ساختارهای بزرگ جزم‌اندیش، همیشه در دوران ظهور به

منتقدانشان اجازه بحث می‌دهند، بدون این که آنان را مرتد به حساب آورند. البته این در زمانی است که مفاهیم اساسی این ساختارها که فرضیات پایه‌ای را مشروعیت می‌بخشند به تدریج در حال تحمیل شدن باشند، ولی در ادامه راه، ساز و کار قدرت، هرگونه پرسشی را پیش از مطرح شدن از بین می‌برد و به صورتی همزمان، خود را از دست «منحرفین» خلاص می‌کند.

جهانی‌سازی یک اجبار نیست، بلکه چاپلوسان آن هستند که جهانی سازی را تقدیس و آن را با بهره بردن از آرزوی دیرینه انسان برای رسیدن به مفهوم «شهروندی جهانی» بر همگان تحمیل کرده‌اند. این نشریات روشنفکری هستند که از تصور اجتناب‌ناپذیر بودن آن به عنوان چماق استفاده کرده‌اند. این شبه فیلسوفان مدرنیته هستند که به خصوصیت‌های به غلط مثبت آن مشروعیت داده‌اند.

در نتیجه جهانی‌سازی یا جهان‌شمولی، یک جریان طبیعی بشری که حاصل ارتباطات دوسویه افراد، گروه‌ها و دولت‌ها

باشد، نیست؛ بلکه یک کوشش و نقشه حساب شده از طرف بازیگران اقتصادی و مالی دنیا است که منظور اصلی آنها سوداگری

جهانی و یکنواخت کردن جریان توزیع و تولید و همچنین استقرار یک نظام واحد با

ارزش‌های مشخص است. این جریان جهانی‌سازی در فرهنگ‌های ملی و بومی، تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد و این خود، مسئله جهانی سازی فرهنگی را مطرح می‌کند.

**جهانی سازی روند یا برنامه‌ای است برای رسیدن به همان دهکده جهانی مک لوهان. جهانی که در آن حد و مرز کشورها، اختلاف فرهنگ‌ها، سلیقه‌ها، بینش‌ها، ارزشیابی‌های متنوع و متفاوت و مراکز تصمیم‌گیری جداگانه و مستقل وجود نداشته باشد.**

**جریان جهانی‌سازی در فرهنگ‌های ملی و بومی، تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد و این خود، مسئله جهانی‌سازی فرهنگی را مطرح می‌کند.**



نظام سرمایه‌داری غرب، به طور کلی و جریان جهانی‌سازی چند دهه اخیر، جهانی‌سازی فرهنگی را تابع مقررات خرید و فروش کالاهای تجارتي کرده که این خود مشکلاتی را برای نظام‌های ملی و بین‌المللی ایجاد نموده است. فرهنگ، راه زندگی است و با آداب و رسوم یک جامعه رابطه مستقیم دارد. تهیه و نوع غذا یک چالش فرهنگی است، همان‌طور که زبان و ادبیات یک بعد

در نتیجه

اجرای هر الگوی

جهانی، احتیاج به

آگاهی بیشتر از گرایش به تفاوت‌های فرهنگی بین اشخاص می‌باشد. از جمله

عواملی که در جهت

مشابه‌سازی الگوهای

جهانی شدن وجود دارد؛

زبان انگلیسی است که

در ارتباط با تکنولوژی،

تجارت، علوم رایانه،

علوم ارتباطات،

گردشگری؛ عمل‌آوری

داده‌ها و اطلاعات را میسر می‌سازد. به این

ترتیب به نظر می‌رسد که همگام با فروکش

کردن و افول سنت‌های فرهنگ‌های بومی

و محلی، فرهنگ مصرفی نوع غربی به

ویژگی کلی فرهنگی حاکم بر کره زمین

بدل می‌شود.

آنچه بر ضد هویت انسانی افراد اعمال

می‌شود؛ با عنوان شعار افزایش رفاه

اقتصادی صورت می‌گیرد. گویی رفاه

انسانی می‌تواند به دو بخش اقتصادی و

غیراقتصادی تقسیم و تجزیه شود و نیز

آنچه بر ضد فرهنگ‌های ملل دیگر اعمال

می‌شود، با عنوان توسعه اقتصادی معرفی

می‌گردد. گویا رشد و

پیشرفت ملت‌ها جز

براساس میزان متوسط

درآمد هر فرد از کالاها

و خدمات با هیچ مقیاس

دیگری قابل اندازه‌گیری

نیست.<sup>۱</sup>

پدیده فرهنگ جهانی در

ارتباط با پدیده دیگری قرار دارد که آن

را بازار جهانی کالاهای فرهنگی می‌نامند.

در این معنا، پدیده‌های فرهنگی تبدیل

به کالاهای فرهنگی جهانی می‌شوند و

در مقیاس جهانی در معرض خرید و

فروش قرار می‌گیرند. هنگامی که بازار

فرهنگی یعنی بازار کالاهای فرهنگی،

محدودیت‌های ملی و بومی را پشت سر می‌گذارد و به هر دلیل، در مقیاس جهانی عمل می‌کند، تجاری‌سازی معنویات و مادیات، جسم و روان، طبیعت و فرهنگ به نابرابری‌های اجتماعی حاکم شدت می‌بخشد.

به قول "وارنیه" محقق فرانسوی، فرهنگ در این معنا، قطب‌نمای هر جامعه است که اعضای جامعه بدون آن نمی‌دانند از کجا آمده‌اند و چگونه باید رفتار خود را تنظیم کنند.<sup>۲</sup>

"آنتونی گیدنز" در پیامدهای مدرنیته وصف می‌کند که در جهان مدرن، هویت از آن جایی کسب می‌شود که تأمین‌کننده کالای فرهنگی است و هر فرد، کالای فرهنگی خود را از آنجا کسب می‌کند.<sup>۳</sup>

این سخن به عنوان چکیده هویت در نظام جهانی، دو چشم‌انداز بر ما می‌گشاید؛

نخست آن که، چون با گرایش به سمت

یکی شدن فرهنگ‌ها و نه تبادل آنها

روبه‌رو هستیم و ابزار بسیار کارآمد

رسانه نیز در اختیار این گرایش است،

پس چاره‌ای جز پذیرش ویژگی‌های

مزبور نخواهد بود و فرآیند دیر یا زود فرا

می‌رسد. علاوه بر آن‌که دو عامل دیگر،

یعنی افزایش ظرفیت زمان و تعارض و

بیگانگی با فرآیند تحول نیز چه در جوامع

خاستگاه و چه در جوامع میزبان، وقوع

بحران را اجتناب‌ناپذیر می‌سازند.

اما چشم‌انداز دوم، به طور کامل متفاوت

است، بدین معنی که

اگر آن سخن گیدنز به

معنای وقوع تکثر در

تولیدکنندگان و تولیدات

فرهنگی قلمداد شود؛

شاهد کاهش شدت

گرایش به فرهنگ غرب

و تشکیل یک مجموعه

مشترک فرهنگی در سطح جهان خواهیم

بود. در آن صورت، هر چند که از جمله

شرکای این مجموعه فرهنگی، فرهنگ

غرب خواهد بود، اما نظام هویت‌بخش

جهانی، از رنگ‌های متنوعی تشکیل

می‌شود و طبیعی است که هویت‌های چند

رنگی نیز شکل می‌گیرد. این، شاید بهترین

حالت قابل پیش‌بینی باشد.

### می‌توان تهاجم فرهنگی را نوعی تجاوز سرمایه‌داری به فرهنگ ملت‌های دیگر برای بهره‌برداری از آنها تعبیر کرد.

مهم فرهنگ به شمار می‌روند. جهان‌بینی، ارزش‌ها و دیدگاه‌های دینی و مذهبی، فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهد، همان‌طوری که رابطه افراد با جامعه

و ماورای طبیعت و هستی و نیستی، راه زندگی آنان را تعیین می‌کند.

جهان‌گرایی پیوسته، توأم با نوعی تهاجم

فرهنگی و یا به تعبیری همراه با نوعی

سلطه فرهنگی از سوی قدرتمندان بر

ضعفا بوده است. اگر با دید اقتصادی

به آن بنگریم؛ می‌توان تهاجم فرهنگی

را نوعی تجاوز سرمایه‌داری به فرهنگ

ملت‌های دیگر برای بهره‌برداری از آنها

تعبیر کرد. می‌توان آن را به نوعی، تهاجم

یک دین به دین یا ادیان دیگر دانست، یا

آن را سلطه یک فرهنگ بر فرهنگ‌های

دیگر تعبیر کرد.

از بین همه عواملی که جهان‌گرایی را ایجاد

یا با آن همراهی می‌کند؛ تحول تکنولوژیک،

بیش از عوامل دیگر، دارای یک هویت

مستقل است، زیرا این عامل، ریشه در میل

طبیعی انسان دارد که در پرتو آن می‌خواهد

از رنج‌ها و سختی‌های زندگی رهایی یابد

تا نیازهایش را با کمترین تلاش ممکن

بر آورده سازد. از خلال همین تحول

تکنولوژیک است که به طور نامرئی و

پنهانی به این روند کمک می‌رساند و روز

به روز، به سمت جهان‌گرایی بیشتر پیش

می‌رود؛ بدون این‌که چنین اقدامی، بخشی

از یک برنامه‌ریزی آگاهانه و مدبرانه

باشد. از همین جا می‌توان دریافت که چرا

جهان‌گرایی پیوسته، توأم با درجاتی از

تهاجم فرهنگی نیز همراه است.

### پدیده فرهنگ جهانی در ارتباط با پدیده دیگری قرار دارد که آن را بازار جهانی کالاهای فرهنگی می‌نامند.

پدیده فرهنگ جهانی در

ارتباط با پدیده دیگری قرار دارد که آن

را بازار جهانی کالاهای فرهنگی می‌نامند.

در این معنا، پدیده‌های فرهنگی تبدیل

به کالاهای فرهنگی جهانی می‌شوند و

در مقیاس جهانی در معرض خرید و

فروش قرار می‌گیرند. هنگامی که بازار

فرهنگی یعنی بازار کالاهای فرهنگی،

جهانی شدن به طرق مختلف بر کارکرد دولت‌ها، اعمال فشار کرده و یا آن را محدود می‌کند. یکی از این روش‌ها، گسترش قوانین بین‌المللی می‌باشد. نخست، از طریق سازمان ملل و یا تعهدات و دستوره‌های منطقه‌ای، این امر منشور حقوق بشر و نیز تعاریف میراث مشترک بشری را شامل شده و می‌تواند از

نقطه نظر بهره‌برداری از منابع، سیاست‌های ملی را محدود کند. روش دیگر، برقراری کامل رژیم‌های بین‌المللی و سازمان‌های قانون‌گذاری بین‌المللی می‌باشد که هر دو، بین کشورها اجرا می‌شود (نظام سازمان ملل، سازمان اقتصاد جهانی، توافق عمومی بر سر عوارض و تجارت) و شامل ساختارهای امنیتی بین‌المللی (ناتو) و همین‌طور فعالیت‌های اقتصادی ملی و سازمان‌های مردمی است. سومین روش یا فشار، مسائل مربوط به جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر فرهنگ ملی و هویت است. در این بین، آمریکایی شدن یا «مک دونالدی» شدن، از سراب‌های اصلی به حساب می‌آید که بر توجه به اقشار فرهنگ مردمی، مصرف‌گرایی و مقابله با الگوها و هنجارهای فرهنگی سنتی سایه می‌اندازد.

در عصر جهانی‌سازی، تنها راه، تعلیم و تربیت صحیح در جهت شفاف کردن ارزش‌ها است. بدین‌سان، تحول انسان که به دنبال سرایت فرهنگ جوامع به یکدیگر و متأثر از پیامد نهضت‌های آنها است؛ به سوی انسانی با کمالات، در گرو تربیت صحیح یعنی رویکرد به ارزش‌های حقیقی است و این چگونگی نه تنها درباره فرد، بلکه درباره جامعه و تکامل یا انحطاط آن نیز درست است؛ زیرا جامعه آن‌گاه رو به تکامل خواهد بود که به ارزش‌های

حقیقی رو آورده باشد و هر گاه همتش به سستی گراید و از ارزش‌های راستین روی برتابد و دلبسته ارزش‌های دروغین شود، به انحطاط و افول خواهد گرایید. خلاصه اینکه کوشش آمریکاییان برای مسلط نمودن یک «مدل زندگی» بر کشورهای جهان، به تدریج به چرخ مهیب و غول‌آسایی مبدل گشت که همه چیز غیر

خودش را در حال زیر گرفتن و در هم کوبیدن است. رنسانس، انقلاب صنعتی، استعمار، نظم نوین، دهکده جهانی و بالاخره جهانی شدن دست به دست هم دادند تا سرانجام ما را وادار به پوشیدن لباسی کنند که از وصله کردن مفاهیم سرگردان لیبرالیسم فراهم شده است. جهانی شدن از منظر سوسیالیسم هرگز این همدستی‌های اساسی را نداشت

و اساساً در گیرودار استعداد و ناتوانی دست و پا می‌زد، اما اینک در این زمان جهانی شدن به مفهوم لیبرالیستی و به عبارت دقیق‌تر آمریکایی آن، گویی محقق شده و تنها به چند امضای خشک و خالی برای قطعیت و رسمیت نیازمند است. جهان آمریکایی با همه فرادستی‌ها و

### آمریکایی شدن یا «مک دونالدی» شدن، از سراب‌های اصلی به حساب می‌آید که بر توجه به اقشار فرهنگ مردمی، مصرف‌گرایی و مقابله با الگوها و هنجارهای فرهنگی سنتی سایه می‌اندازد.

### کوشش آمریکاییان برای مسلط نمودن یک «مدل زندگی» بر کشورهای جهان، به تدریج به چرخ مهیب و غول‌آسایی مبدل گشت که همه چیز غیر خودش را در حال زیر گرفتن و در هم کوبیدن است.

فرودستی‌های قارونی و بهره‌کشی‌های فرعونی و کبکبه‌های نمرودی‌اش، می‌رود تا بزرگ‌ترین بت‌خانه تاریخ را به وسعت جهان بنا کند و نامبارک‌ترین بت تاریخ یعنی خود انسان را بر پای دارد. دوران پست‌مدرن نه فقط برای جبران ضعف‌های مدرنیسم در حال نضج گرفتن نیست، بلکه در حال تئوریزه کردن امپریالیسم به ترکیبی است که چون اختاپوس تمامی آن ضعف‌ها را تثبیت می‌سازد. محل تولد اختاپوس جهانی شدن، در ابتدا اذهان بشری است و تصویرسازی ذهنی برای انسان‌ها، مهم‌ترین مرحله تحقق جهانی شدن است که البته تحول و گسترش تکنولوژی، ابزار دستیابی به این مرحله خواهد بود. رژیم‌های بین‌المللی و سازمان‌های قانون‌گذاری جهانی نیز در این فرآیند، نقشی تسهیل‌کننده و مشروعیت‌دهنده خواهند داشت که ارزش‌های آمریکایی را با خونسردی تمام بر فضای فرهنگی و

مدنی کشورهای جهان دیکته کنند. این همه، اما در ورای ابرهای تیره و تاریک و ظلمانی روزگاران تباهی و سیاهی، سرانجام خورشید فروزان مهدویت در آفاق جهانی طلوع خواهد کرد و سراسر عالم را نور و سرور و هدایت و معنویت خواهد بخشید. آن‌گاه سحر همه ساحران و جادوی همه جادوگران نیست و باطل خواهد شد و جهان و انسان تحت لوای مهدوی اداره می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. پهلوان، چنگیز، جهانی شدن فرهنگ، مجله اندیشه جامعه، شماره ۹، ص ۱۱.
۲. خلیلی، اسماعیل، هویت در نظام یک‌جهانی، مجله اندیشه جامعه، شماره ۹، ص ۴۱.
۳. همان.